دلالت تعبیر «كُلُّ فَرِيضَةٍ إِنَّمَا تُؤَدَّى إِذَا حَلَّتْ» بر فعلیت موضوع نه موضوعیت یقین

باب دوازدهم را نگاه کنید؛ روایت اول که دیروز خواندم از کافی شریف است. بخشی از آن را ایشان در وسائل انداخته‌اند، البته مفصل هم نبوده ولی صاحب وسائل حذف کرده‌اند.

> عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ أَ يُزَكِّيهِ إِذَا مَضَى نِصْفُ السَّنَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ يَحِلَّ عَلَيْهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ صَلَاةً إِلَّا لِوَقْتِهَا وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَ لَا يَصُومُ أَحَدٌ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا فِي شَهْرِ إِلَّا قَضَاءً وَ كُلُّ فَرِيضَةٍ إِنَّمَا تُؤَدَّى إِذَا حَلَّتْ.[1]

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ أَ يُزَكِّيهِ إِذَا مَضَى نِصْفُ السَّنَةِ»؛ نصف سال که گذشت زکاتش را باید بدهد؟ **«قَالَ لَا وَ لَكِنْ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ يَحِلَّ عَلَيْهِ»؛** حلول سنه، منظور است. آیا «یحلّ» هم محتمل است فعلاً کاری ندارم. بعد امام فرمودند: **«إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ»؛** سراغ اشباه و نظائر آن رفتند. اگر راوی تأمل می‌کرد می‌پرسید اینکه قیاس می‌شود؛ از اینجا به آن جا می‌رویم! حضرت می‌فرمایند: **«انه لیس لاحد أَنْ يُصَلِّيَ صَلَاةً إِلَّا لِوَقْتِهَا»؛** تا زمانی‌که وقت نماز نرسیده که نمی‌توانیم نماز بخوانیم. **«وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَ لَا يَصُومُ أَحَدٌ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا فِي شَهْرِ إِلَّا قَضَاءً»؛** خب اگر می‌خواهد قضاء آن را بگیرد فرق می‌کند. بعد حضرت فرمودند: **«وَ كُلُّ فَرِيضَةٍ إِنَّمَا تُؤَدَّى إِذَا حَلَّتْ»؛** این فریضه به‌معنای فریضه نماز نیست. بلکه همه فریضه‌ها را می‌فرمایند. چون حضرت به سه چیز مثال زدند. هم به ماه مبارک مثال زدند، هم به زکات مثال زدند و هم به نماز.

شاگرد: همه اینها که از فرائض محسوب می‌شوند.

استاد: بله، همه از فرائض هستند.

شاگرد: منظور من این است که یکی از نکاتی که آقایان از قواعد نظام سنت و فریضه می‌گیرند همین بحث حلول است. یعنی فریضه در مقابل سنت واجب. یعنی در مقابل فرمایش شما

می‌گویند این کاری به یقینی بودن ندارد. مثلاً طبق برخی از مبانی می‌توان غسل جمعه را قبل از وقتش انجام داد. اما فریضه باید در وقتش انجام شود.

استاد: یعنی اگر سنت بود موسع است.

شاگرد: مثلاً می‌شود در یک شرائطی از وقتش، مقدم شود. ولی فریضه نمی‌شود.

> 16:11

استاد: درست است، نمی‌دانم مرحوم سید در عروه آورده‌اند یا نه، اما وقتی در جواهر می‌گویند یقین به دخول وقت لازم است، می‌گویند در نوافل هم همینطور است یا نه؟ در نماز واجب، لازم است؛ لایجوز دخول فی الصلاة قبل تیقن دخول الوقت. حالا نوافل چطور؟ اینها بحثش باشد. می‌گویند آن هم یک جور است. البته سنخ بیانشان متفاوت می‌شود.

آن چه که الآن عرض می‌کنم این است: صاحب وسائل فرمودند بطلان الصلاة قبل التیقن بدخول الوقت. اولین روایت در آن جا این است. چیزی که به ذهنم آمد این است که اصلاً این روایت باالدّقه برای مقام امتثال تیقن به دخول وقت نیست. کل فریضة انما تودی اذا حلّت؛ ناظر به فعلیت موضوع ثبوتی است. یعنی «اذا زالت الشمس». منظور این است. چرا؟ چون طرف دارد از سال می‌پرسد. می‌گوید نصف سال شده، زکات بدهم یا نه؟ می‌فرمایند نه، باید سر سال بشود. می‌شود نماز را قبل از وقت بخوانی؟!

ببینید چقدر تفاوت می‌کند. اگر عبارت به این صورت بود موید صاحب وسائل می‌شد؛ یعنی مصداق عنوان ایشان می‌شد. اگر حضرت فرموده بودند: «کل فریضة انما تودی اذا ایقن بالحلول/ اذا ایقن انها حلّت»، مصداقی برای عنوان ایشان می‌شد. اما اینکه حضرت می‌فرمایند زوال، شرط وجوب است، قبل از زوال، وجوب صلات نیست، این کاری ندارد شما هم باید یقین پیدا کنید یا نه. ولی خب ایشان اولین روایت را اینگونه آورده‌اند. من این جور به ذهنم آمد که مصداق فرمایش ایشان نباشد.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية ج ۳ ص ۵۲۳

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 15:39:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 15:41:04 توسط ... .